

إن قلت: وقتی گفته شد، وجوب مفهوم انتزاع شده از بعث اعتباری شدید است، و استحباب، مفهوم انتزاع شده از بعث اعتباری ضعیف است، در حالیکه می دانیم برخی از مستحبات اقوی از مستحبات دیگر و برخی از واجبات از واجبات دیگر اشد هستند، حال جای این سوال باقی است که کدامین مرتبه از بعث اعتباری شدید است و کدامین مرتبه ضعیف. کما اینکه باید معلوم شود قوت و ضعف استحباب و وجوب ناشی از چیست و چگونه معلوم می شود.

قلت: وقتی پذیرفتیم که آمر می تواند بعث اعتباری را در مراتب مختلف از حیث شدت و ضعف اعتبار کند، می گوئیم اینکه کدام مرتبه از شدت، اقل مراتب وجوب است و کدام مرتبه از بعث، شدید است و کدام اقل و ضعیف است را باید از مقارنات خارجی به دست آورد. و لذا اگر از دلیل دیگر استفاده کردیم که آمر راضی به ترک نیست، معلوم می شود که بعث شدید است و اگر استفاده کردیم که آمر راضی به ترک هست، معلوم می شود بعث مذکور، بعث ضعیف است. کما اینکه ممکن است آمر در مقام مقایسه و تزامم دو واجب یکی را بر دیگری ترجیح دهد، در این صورت می فهمیم بعث در راجح اشد است.

نکته:

تا کنون گفتیم وجوب مفهوم انتزاع شده از بعث شدید اعتباری است و گفتیم بعث شدید، بعثی است که آمر راضی به ترک آن نیست.

اما، نکته مهم آن است که گاه مستعلی بعث شدید را اعتبار میکند و گاه غیر مستعلی، ظاهراً وجوب مفهوم انتزاع شده از بعث اعتباری شدید است در جایی که اعتبار کننده، مستعلی باشد. ولی اگر غیر مستعلی، بعث شدید را اعتبار کند (مثلاً هیأت امر را یک التماس کننده به کار ببرد)، در این صورت عرف آن را واجب نمی داند.

و لذا اگر اعتبار کننده ای که مستعلی است (ولی عالی نیست)، نسبت به یک عالی، امر کرد، چیزی را بر او واجب کرده است ولی به سبب این امر عرف او را تخطئه می کنند.

تکمله:

آنچه در کلمات مطرح است که:

تصور ← تصدیق فائده ← شوق ← اراده ← امر
 فعل بالمباشرة

غلط است چراکه «امر»، بعث مبعوث است در حالیکه مبعوث عن اختیار فعل را انجام دهد و لذا اصلاً از مرحله ابتدایی با فعل بالمباشرة متفاوت است.



امر: تصور رفتن زید عن اختیار ← تصدیق به فائده ← اراده نسبت به بعث اعتباری ← بعث اعتباری

فعل بالمباشره: تصور رفتن زید جبراً ← تصدیق فائده ← اراده نسبت به بردن ← فعل بالمباشره

اما در جدول صفحه ۵۰ می توان یک مرحله را اضافه کرد:

